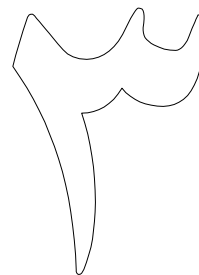


تحوّلات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن برای ایران

* امیرمحمد حاجی یوسفی

** همت ایمانی



** امیرمحمد حاجی یوسفی دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد. am-yousefi@sbu.ac.ir
** همت ایمانی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
hemmat.imani@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۶

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۴-۷۵.

چکیده

روابط ترکیه و اسرائیل به‌عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه از اهمیت بسزایی به‌ویژه از دید جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده است. اتحاد تل آویو و آنکارا در سال ۱۹۹۶ موجب تهدیدات جدی برای ایران شد اما به‌نظر می‌رسد در دهه اخیر به‌ویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نوعی تنش و سردی بر روابط دو طرف حاکم شده که باید پیامدهای مثبت برای ایران داشته باشد. از این‌رو بررسی تحولات داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تأثیر آن بر روابط ترکیه و اسرائیل و به تبع آن تأثیرات بر جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. این مقاله ضمن بررسی تحولات در روابط ترکیه و اسرائیل در یک دهه اخیر چنین نتیجه می‌گیرد که روابط ترکیه و اسرائیل به سمت واگرایی رفته اما قطع نخواهد شد و این امر برای سیاست خارجی ایران که با پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی در منطقه مواجه است، پیامدهای مثبتی خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: همگرایی، واگرایی، حزب عدالت و توسعه، لیکود، ترکیه، اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

روابط ترکیه و اسرائیل به‌عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه از اهمیت بسزایی به‌ویژه از دید جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده است. اتحاد تل آویو و آنکارا در سال ۱۹۹۶ موجب تهدیدات جدی برای ایران شد اما به‌نظر می‌رسد در دهه اخیر به‌ویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نوعی تنش و سردی بر روابط دو طرف حاکم شده که باید پیامدهای مثبت برای ایران داشته باشد. از این‌رو بررسی تحولات داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تأثیر آن بر روابط ترکیه و اسرائیل و به تبع آن تأثیرات بر جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است.

در مورد روابط ترکیه و اسرائیل، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. در این آثار روابط ترکیه و اسرائیل از ابعاد گوناگون از جمله سیاسی، امنیتی، اقتصادی و همچنین با برجسته کردن متغیرهای خاصی مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب «روابط ترکیه با ایران، سوریه، اسرائیل و روسیه (۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰)»، اثر رابرت اولسون^۱ از جمله آثاری است که به رابطه ترکیه و اسرائیل پرداخته است. در این کتاب به رابطه ترکیه با ایران، سوریه، اسرائیل و روسیه با محوریت مسئله کرد و اسلام‌گرایی پرداخته شده و نویسنده رابطه ترکیه با هر یک از این کشورها را در یک بخش از کتاب تشریح می‌کند. در مورد ایران، نویسنده بیان می‌کند که ایران و ترکیه با توجه به مسائل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک که هر دو کشور در قفقاز، حوزه دریای خزر، آسیای مرکزی و خاورمیانه دارند، مجبور به همکاری هستند. از نظر نویسنده مسئله کرد و اسلام‌گرایی از مسائل مهم و تنش‌زا در روابط دو کشور بوده

1. Robert Olson

است. در بخش بعدی وی مسئله کرد (و *اوجالان*، ۱۹۹۸-۱۹۷۹) و اختلافات مربوط به آب فرات را در روابط ترکیه با سوریه بررسی می‌کند و بیان می‌کند که این دو مسئله از چالش‌برانگیزترین مسائل مربوط به روابط دو طرف است. در بخش دیگری نویسنده معتقد است که تهدیدات پ.ک.ک.^۱ و ناسیونالیسم کردی مسائلی بود که ترکیه را مجبور به اتحاد استراتژیک با اسرائیل در سال ۱۹۹۶ کرد. در مورد رابطه ترکیه و روسیه نیز نویسنده اشاره می‌کند که هرچند روسیه یک کشور خاورمیانه‌ای نیست اما مسئله کرد در روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است؛ زیرا مسئله کرد برای روسیه در طول دهه ۱۹۹۰ برای روسیه از مسئله چچن جدایی‌ناپذیر بود. به‌طور کلی، در این کتاب در بررسی روابط ترکیه با همسایگان، محوریت با مسئله کرد و اسلام‌گرایی است. نویسنده در مورد رابطه ترکیه با اسرائیل بیان می‌کند که این مسئله به روابط این کشور با ایران و سوریه لطمه می‌زند. در مورد این کتاب باید گفت که از نظر زمانی مباحث آن تا اواخر دهه ۱۹۹۰ است و تحولات به‌وجودآمده پس از سال ۲۰۰۰ در این کتاب مورد بحث قرار نگرفته است. اثر دیگری که در رابطه با این موضوع به نگارش درآمده است کتاب «رابطه ترکیه و اسرائیل، تغییر در روابط خارجی خاورمیانه‌ای»، نوشته *افرا بنگیو*^۲ است که در پنج بخش به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در بخش نخست به مسائل پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس می‌پردازد و مسائل مرتبط با ترکیه و اسرائیل را در این بخش مطرح می‌کند. بخش دوم کتاب در واقع بازگشتی به گذشته روابط ترکیه و اسرائیل از ۱۹۵۰ به بعد است و نزدیکی روابط دو طرف در این دوره را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش سوم به اتحاد ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ می‌پردازد. در این بخش به منافع، فشارها و تحولاتی که به اتحاد دو طرف منجر شده است، اشاره شده و بازیگران و انگیزه‌های آنها و همچنین نقش موازنه‌دهنده ایالات متحده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم نویسنده به تجزیه و تحلیل محتوای سیاسی، نظامی و اقتصادی اتحاد ترکیه و اسرائیل می‌پردازد. در نهایت بخش پنجم به پیامدها و واکنش‌های کشورهای منطقه به این اتحاد راهبردی اشاره

1. PKK

2. Ofra Bengio

می‌کند. به‌طورکلی این کتاب به مسائل مرتبط با رابطه ترکیه و اسرائیل تا زمان حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ می‌پردازد.

همچنین در این مورد مقاله‌ای تحت عنوان «تحولات اخیر در روابط ترکیه و اسرائیل» وجود دارد که توسط **جرج ای. گرین**^۱ نوشته شده است. این مقاله به‌طورکلی به این موضوع اشاره دارد که ترکیه و اسرائیل با وجود ادامه انتفاضه و منازعات اسرائیلی - فلسطینی همکاری‌های خود را ادامه خواهند داد. نویسنده در ابتدای مقاله به تحولات منطقه پس از یازده سپتامبر اشاره می‌کند و معتقد است که این حادثه و حملات تروریستی مشابه آن در منطقه باعث نزدیکی دو طرف به هم می‌شود. وی سپس منازعه ایران و غرب و نظامی‌گری ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد و همچنین به تشریح جهت‌گیری ترکیه و اسرائیل در قبال آن می‌پردازد و در ادامه به چالش‌های بین ترکیه و اسرائیل در مورد فلسطین و مسئله کرد می‌پردازد. درنهایت نیز اتحاد ترکیه و اسرائیل و همکاری‌های نظامی و اقتصادی آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و نقش ارتش ترکیه در نزدیکی این دو طرف ارزیابی می‌شود. در مجموع نویسنده معتقد است از آنجا که ترکیه و اسرائیل در منطقه پرخطری قرار دارند و تهدیداتی در منطقه علیه دو کشور وجود دارد که با همکاری آنها قابل رفع است، روابط دو طرف در همه زمینه‌ها ادامه خواهد یافت.

مقاله دیگر «روابط ترکیه، اسرائیل و ایران در دهه ۱۹۹۰: تأثیر آن بر خاورمیانه»، اثر **بولنت آرس**^۲ است. این مقاله نیز به بررسی روابط پیچیده‌ای که بین ترکیه، اسرائیل و ایران از جنگ خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰ به بعد جریان یافت و همچنین در زمینه‌های معاملات و توازن سیاسی در منطقه، نظامی‌گری و مسائل حقوق بشر، مسئله فلسطین و سیاست‌های ایران در نظام بین‌الملل می‌پردازد و همچنین چگونگی تحولات و تأثیرپذیری سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و درنهایت نویسنده به این نتیجه رسیده است که ترکیه، اسرائیل و ایران در منطقه خاورمیانه نقش مهمی ایفا می‌کنند. سیاست خارجی که آنها در پیش گرفته‌اند نه تنها بر خود این کشورها، بلکه بر معادلات منطقه‌ای و

1. George E. Gruen

2. Bülent Aras



جهانی نیز تأثیر می‌گذارد. در نتیجه‌گیری این مقاله نویسنده بیان می‌کند که هزینه اتحاد ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ برای دو طرف، از سود آن بیشتر بوده است. به‌طور کلی، در مورد این تحقیقات باید گفت که مباحث آنها عموماً مربوط به رابطه ترکیه و اسرائیل در دوره جنگ سرد و پس از جنگ سرد تا اواخر دهه ۱۹۹۰ است. در حالی که تمرکز اصلی مباحث این مقاله تحولات روابط ترکیه و اسرائیل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ می‌باشد. پس سؤال اصلی مقاله عبارت است از اینکه: «تحولات مربوط به روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر، چه تأثیراتی بر روابط دو طرف گذاشته است و همچنین اثرات آن بر جمهوری اسلامی ایران چیست؟». در پاسخ به این سؤال، فرضیه‌ای که در این مقاله در پی آزمون آن هستیم این است که «تحولات روابط ترکیه و اسرائیل موجب واگرایی بین دو طرف شده است و این مسئله فرصت‌های سیاسی - امنیتی (شامل افزایش قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران در منطقه، کاهش احتمال بروز مناقشات، عدم شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای ضدایرانی، کاهش قدرت مانور اسرائیل در مقابل ایران) را برای ایران به‌وجود آورده است».

در بخش بعدی به بررسی تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و اثرات آن بر روابط دو طرف می‌پردازیم. پس از آن به بحث همگرایی یا واگرایی در روابط دو طرف پرداخته می‌شود و در نهایت به اثرات این مسئله بر جمهوری اسلامی ایران اشاره خواهد شد.

۱. تحولات روابط ترکیه و اسرائیل از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰

در این بخش در صدد پاسخ‌گویی به سؤال اصلی و همچنین آزمون فرضیه مقاله هستیم. در این راستا تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر را می‌توان به سه قسمت شامل سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۲، ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۰، تقسیم کرد:

۱-۱. تحولات روابط ترکیه و اسرائیل از ۲۰۰۰ تا نوامبر ۲۰۰۲

روابط ترکیه و اسرائیل در این دوره، در واقع ادامه دهه ۱۹۹۰ محسوب می‌شود. روابط دو طرف بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ هنوز تحت تأثیر پیمان‌های دهه ۱۹۹۰

قرار داشت و دو طرف در زمینه مسائل اقتصادی و سیاسی - امنیتی همکاری‌های بسیار نزدیکی داشتند. سیاست خارجی ترکیه در این دوره تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و بین‌المللی قرار داشت. تأثیر عوامل داخلی بر سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد افزایش یافت و به‌ویژه پس از روی کار آمدن احزاب اسلامی، عوامل اقتصادی (به‌ویژه بحران مالی ۱۹۹۵ و ۲۰۰۱ در این کشور)، عوامل نظامی (قدرت‌یابی پ.ک.ک و حمایت همسایگان ترکیه از آن)، عوامل حزبی و مذهبی (حزب رفاه و حزب عدالت و توسعه) در سیاست خارجی ترکیه مؤثر بودند. در مورد اسرائیل هم باید گفت که سیاست خارجی آن پس از سال ۲۰۰۰ دچار تغییرات جدی چندانی نشده است. اصولاً سیاست خارجی اسرائیل تحت تأثیر وضعیت خاص آن، نوسان زیادی ندارد. اسرائیل همیشه دغدغه بقاء و حفظ امنیت وجودی خود را دارد. یکی از نظریه‌پردازان اسرائیل در این زمینه اظهار می‌دارد که سیاست خارجی اسرائیل و ایده‌های مهم استراتژیک آن با در نظر گرفتن وجود دشمن خارجی طراحی می‌شود. (TÜRtermath, 2010: 39) بنابراین همیشه نیاز به دفاع از خود دارد. در این زمینه **موشه دایان** می‌گوید: «اسرائیل دارای سیاست خارجی نیست بلکه دارای سیاست دفاعی است».

ترکیه و اسرائیل در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ روابط اقتصادی و سیاسی - امنیتی نزدیکی داشتند و در ژانویه ۲۰۰۰ موافقت‌نامه‌ای امضا کردند که براساس آن اسرائیل سالانه ۵۰ میلیون متر مکعب آب از ترکیه وارد کند. در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۱ مانورهای «پری دریایی» سوم، در ژوئن مانور «عقاب آناتولی» و در ۳-۷ دسامبر تمرین‌های «پری دریایی چهارم» برگزار شد و در مارس ۲۰۰۲ موافقت‌نامه محرمانه‌ای در زمینه صنایع نظامی بین دو کشور به ارزش ۶۶۶ میلیون دلار به امضا رسید. هم‌زمان در ماه آوریل همان سال، **بولنت اجویت**، سیاستمدار ترک، سیاست اسرائیل در فلسطین را نسل‌کشی نامید. (Timeline of Turkish-Israeli Relations, 2006) این موارد نشان می‌دهد که ترکیه در کنار انتقاداتی که از اسرائیل در مورد مسئله فلسطین داشته، همچنان روابط خود را نیز حفظ کرده است.

۲-۱. تحولات روابط ترکیه و اسرائیل از نوامبر ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷

برای بررسی تحولات روابط دو طرف در این دوره از آنجا که نقش عوامل داخلی ترکیه و اسرائیل در سیاست خارجی آنها برجسته‌تر است (به‌ویژه روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه)^۱، لازم است پیش از پرداختن به تحولات روابط ترکیه و اسرائیل، به لحاظ اهمیت نقش حزب عدالت و توسعه و دکترین عمق استراتژیک در روابط دو طرف، به بررسی آن پردازیم.

حزب عدالت و توسعه در ۳ نوامبر ۲۰۰۲، در انتخابات ترکیه به پیروزی رسید. این حزب ۳۴/۲۸ درصد از کل آراء را به‌دست آورد و ۳۶۳ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص داد. حزب عدالت و توسعه، تفاوت‌های اساسی با اسلام‌گرایان سابق (اربکان) دارد. از جمله: ۱) هرچند هر دو حزب به نقش رهبری ترکیه در عرصه بین‌المللی تأکید داشتند، اما نقش رهبری در حزب رفاه کلی‌تر تعریف می‌شد، درحالی‌که حزب عدالت و توسعه این نقش را در حل بحران‌ها و تعارضات و میانجیگری‌ها می‌داند. ۲) هرچند تأکید بر هویت اسلامی نیز نقطه مشترک دو حزب بود اما در حزب رفاه اسلامی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد جبهه‌ای در برابر غرب بود اما در حزب عدالت و توسعه هویت مذهبی محدود به فرد و مسائل فرهنگی بود و نه مسائل سیاسی. ۳) در مورد رویکرد آنها به اروپا باید گفت که، حزب رفاه در صدد تشکیل یک بلوک اسلامی در مقابل بلوک اتحادیه اروپا بود. اما حزب عدالت و توسعه به‌شدت در تلاش برای الحاق به اروپاست. حزب عدالت و توسعه تنها ملاک سیاست خارجی را منافع ملی ترکیه می‌داند و هیچ شرطی غیر از این، اعم از جهان اسلام یا غربی بودن قائل نیست. ۴) در مورد نوع برخورد با مخالفان داخلی باید گفت که حزب رفاه ایدئولوژیک‌تر بود اما حزب عدالت و توسعه واقع‌گراتر و منطقی‌تر برخورد می‌کند. (Bilgin, 2008: 415)

پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، در راستای ایجاد یک سیاست خارجی فعال که پاسخ‌گوی شرایط جدید به‌وجودآمده در محیط اطراف ترکیه باشد، دکترین عمق استراتژیک^۲ توسط پروفیسور *داوود اوغلو* در سیاست خارجی جدید

1. AKP (justice and development party)
2. Strategic Depth (Stratejik Derinlik)

ترکیه مطرح شد. «ایده اصلی کتاب عمق استراتژیک این است که عمق استراتژیک منتج از عمق تاریخی و جغرافیایی است. با توجه به این نظریه، عمق جغرافیایی ترکیه است که در مرکز بسیاری از حوزه‌های ژئوپلیتیک نفوذ است. دکترین عمق استراتژیک خواستار تعامل فعال ترکیه با تمام سیستم‌های منطقه‌ای در همسایگی ترکیه است» (Murinson, 2006: 948). داوود اوغلو مدعی است که ترکیه در بین تعدادی از حوزه‌های ژئوپلیتیک مانند خاورمیانه، جهان اسلام، غرب (اروپا و آمریکا) و آسیای مرکزی قرار دارد. ترکیه تنها در صورتی می‌تواند به صورت قدرت منطقه‌ای ظهور کند که با همه این حوزه‌ها و همه همسایگان روابط خوبی داشته باشد (Davutoğlu, 2001: 132). وی همچنین در مصاحبه با سی.ان.ان اظهار داشت که در تز عمق استراتژیک، نقش اساسی سیاست خارجی ترکیه «ایجاد نظم و ثبات» تلقی شده که رکن اساسی این سیاست عبارت است از: (۱) امنیت برای همگان؛ (۲) انجام گفتگوهای سیاسی به منظور مقابله با بحران؛ (۳) همکاری‌های نزدیک اقتصادی؛ و (۴) پلورالیسم (Turan, 2008: 107).

راه رسیدن به این هدف این است که ترکیه در زمینه قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری ویژه‌ای انجام دهد. ترکیه می‌تواند از پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود با این مناطق استفاده و نهادهای دموکراتیک و بازار آزاد و اقتصاد لیبرال را در این مناطق ترویج کند. «داوود اوغلو استدلال می‌کند که ترکیه نیاز به حل و فصل همه اختلافات دوجانبه که مانع روابط ترکیه با همسایگان است دارد و در این زمینه طرح «سیاست مشکلات صفر با همسایگان»^۱ را ارائه داده است. اگر ترکیه بخواهد به قدرت منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود نیاز به حل مشکلات خود با همسایگان دارد.» (Grigoriadis, 2010: 4-5)

از جمله اصول اساسی سیاست‌های حزب عدالت و توسعه عبارت است از:

۱. ایفای نقش محوری در منطقه؛
۲. چندجانبه‌گرایی و توجه به کشورهای عربی و مسلمان؛
۳. سیاست مشکلات صفر با همسایگان؛



۴. ایفای نقش میانجی در مسائل مختلف منطقه‌ای؛

۵. تلاش برای ایجاد تعادل در سیاست‌های منطقه‌ای (خاورمیانه‌ای) و اروپا؛

۶. ایجاد الگویی برای کشورهای مسلمان و عرب منطقه که این الگو در تضاد

با الگوی ایران است (Bengio, 2009: 1).

پس از انتخابات ۲۰۰۲ در ترکیه از آنجا که یک حزب اسلام‌گرا روی کار آمد و در اسرائیل حزب لیکود بر سر کار بود، با وجود تداوم روابط سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی، شاهد بروز تنش‌ها و بحران‌هایی در روابط دو طرف هستیم. برای مثال نخست‌وزیر، *اجویت* در سال ۲۰۰۲ کشتار فلسطینی‌ها را توسط اسرائیل یک نسل‌کشی خواند. اما بزرگ‌ترین آزمون برای روابط ترکیه و اسرائیل، پس از اکتبر ۲۰۰۲ این بود که پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه باعث نزدیکی بیشتر ترکیه به همسایگان مسلمان شد. البته *اردوغان* بلافاصله اعلام کرد که روابط با اسرائیل ادامه و گسترش می‌یابد. از جمله بازدیدهای سطح بالا پس از ۱۹۹۷، در ماه مه سال ۲۰۰۳ اتفاق افتاد. در این سال *شائول موفاز*، وزیر جنگ اسرائیل، به ترکیه رفت و مذاکراتی در مورد همکاری‌های ضدتروریستی صورت گرفت. همچنین رئیس ستاد ارتش ترکیه^۱ در ماه ژوئن از اسرائیل دیدن کرد (Gruen, 2004: 445). در ادامه روابط دو کشور، در ماه مه سال ۲۰۰۵ اردوغان در اسرائیل با *آریل شارون* دیدار کرد و از مشارکت احتمالی ترکیه در مورد فرایند صلح فلسطین و اسرائیل صحبت شد و بحث مبارزه با تروریسم و فرایند صلح خاورمیانه، جدی‌ترین بحث آنها بود (Murinson, 2006: 959). همچنین *عبدالله گل* نیز در ۳-۵ ژانویه ۲۰۰۵ به اسرائیل سفر کرد. با وجود فشار اعراب در سازمان کنفرانس اسلامی روابط دو کشور ادامه یافت. عبدالله گل از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی خواست تا در مورد منازعه اسرائیل - فلسطین واقع‌گرایی بیشتری از خود نشان دهند.

در کنار همکاری‌های ترکیه و اسرائیل در این دوره، گاهی نیز تنش‌هایی بین دو طرف صورت گرفت که در مجموع باعث سردی روابط سیاسی و دیپلماتیک دو

1. Hilmi Ozkok

طرف نسبت به دهه ۱۹۹۰ شد. از جمله تنش‌های سیاسی مهم این بود که اردوغان حملات اسرائیل به مناطق فلسطین را در مه ۲۰۰۴ جنایت علیه بشریت نامید. (Bengio, 2009: 3) نکته جالب این است که با وجود انتقادات و اعتراضات ترکیه به اسرائیل به دلیل مسئله فلسطین، اسرائیل بسیاری از مواقع سیاست سکوت در پیش گرفته و سعی در کاهش تنش دارد. اما با نزدیک شدن ترکیه به اعراب در دولت اردوغان، تنش بین ترکیه و اسرائیل فزونی گرفت. اردوغان، قتل شیخ/احمد یاسین، رهبر حماس، در ۱۹ مه ۲۰۰۴ توسط اسرائیل را تروریسم دولتی نامید (TÜR, 2006: 159). همچنین در جای دیگری اردوغان می‌گوید: «ما کشوری هستیم که در قرن ۱۵ یهودیان را که از اروپا رانده می‌شدند، به دامن خود پذیرفتیم. اما در حال حاضر اسرائیل همین بلا را سر فلسطینی‌ها می‌آورد. ما تأکید داریم که اسرائیل به این‌گونه اقدامات پایان دهد» (Milliyet, 8June: 2004).

پس از سقوط صدام، نفوذ اسرائیل در شمال عراق و فعالیت‌های اقتصادی آنها باعث شد تا ترکیه در بهار ۲۰۰۴ به انتقاد از اسرائیل پردازد. از یک‌سو همدردی ترکیه با فلسطینی‌ها، نزدیکی به ایران و سوریه و از سوی دیگر نگاه نرم اسرائیل به کردها باعث واگرایی هرچه بیشتر روابط دو کشور در این دوره نسبت به دهه ۱۹۹۰ شد (Kibaroglu, 2005: 262). در نتیجه ترکیه نگران بحران عراق و مسئله کرد است. درحالی‌که اسرائیل از ناسیونالیسم کردی دفاع می‌کند و نسبت به یکپارچگی عراق بی‌تفاوت است. در بین کردهای شمال عراق اسرائیل نفوذ قابل توجهی دارد. ۳۰ مدیر ارشد حزب دموکرات کردستان^۱ کرد یهودی هستند. بنابراین یکی از تنش‌های بسیار مهم، حضور اسرائیل در شمال عراق و همچنین سرمایه‌گذاری گسترده در مناطق کردنشین است. دریافت اطلاعات در مورد ایران و آموزش پیش‌مرگ‌های کرد نیز از دیگر دلایل نفوذ اسرائیل در شمال عراق است (TÜRtermath, 2009: 25).

درنهایت باید گفت که اسرائیل به دنبال متحد مطمئن‌تری در منطقه می‌گردد که کردهای شمال عراق گزینه خوبی هستند. اسرائیل از این طریق به مرز ایران نزدیک می‌شود و هم‌زمان سوریه، عراق و دیگر کشورهای عربی را زیر کنترل خود قرار



می دهد اما این گونه اقدامات اسرائیل، موجب سردی روابط آن با ترکیه شد. ترکیه در راستای رسیدن به اهداف خود در قالب دکترین عمق استراتژیک و به علت ملاحظات داخلی اقتصادی و سیاسی، تلاش کرد تا به خاورمیانه، اعراب و فلسطین نزدیک شود. «در دیدار **خالد مشعل** از ترکیه در ۲۰۰۶، سخنگوی دفتر نخست وزیری اسرائیل^۱ به شدت به این دیدار اعتراض کرد و اظهار داشت که این دیدار به روابط ترکیه با اسرائیل لطمه خواهد زد. همچنین گفت که این دیدار مثل این است که اسرائیل از اوجالان که در زندان به سر می برد، دعوت به مذاکره در اسرائیل کند. در این مورد عبدالله گل، وزیر خارجه ترکیه، بیان داشت که دعوت خالد مشعل به ترکیه برای راندن او به سمت تحقق صلح با اسرائیل صورت گرفته است و این یک مسئولیت بین المللی برای ترکیه است» (Murinson, 2006: 959).

به طور کلی در طول دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، ترکیه با تحولات عمده ای مانند جنگ ۲۰۰۳ عراق، مسئله قبرس و تحولات در روابط ترکیه و اروپا و مسئله فلسطین مواجه شد. با مرور کلی روابط این کشور با اسرائیل در این دوره، نگارندگان به این نتیجه می رسند که روابط دو طرف نسبت به دهه ۱۹۹۰ با چالش های بیشتری مواجه بوده است.

۳-۱. تحولات روابط ترکیه و اسرائیل از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰

پس از سال ۲۰۰۷ روابط ترکیه و اسرائیل باز هم متأثر از مسائل داخلی، منطقه ای و بین المللی می باشد. در این دوره حزب عدالت و توسعه دوباره در انتخابات ۲۰۰۷، ۴۷ درصد آراء را کسب کرد و پیروز انتخابات شد و از سوی دیگر حزب لیکود هم در اسرائیل بر سر کار بود و در انتخابات ۲۰۰۹ دوباره قدرت را در دست گرفت. در ابعاد منطقه ای و بین المللی هم در این دوره تحولاتی رخ داد که بر روابط دو طرف تأثیرگذار بود. در مورد ترکیه می توان گفت که سیاست خارجی چندجانبه گرایی این کشور در این دوره، بر روابط دو طرف تأثیر گذاشت. می توان گفت در اسرائیل اجماع کاملی در مورد رابطه با ترکیه وجود دارد و جامعه، گروه ها و احزاب آن راجع به ترکیه نظر بسیار مطلوبی دارند. اما در ترکیه، جریانات

1. Raanan Gissin

اسلام‌گرا و جامعه هرچند مخالفت جدی با رابطه ترکیه با اسرائیل نمی‌کنند اما به شدت مخالف حملات اسرائیل به فلسطین هستند که این مسئله بر روابط دو طرف تأثیرگذار بوده است. «در یک نظرسنجی در ترکیه نشان داده شده که ۳۹/۲ درصد پاسخ‌دهندگان علاقه‌مند به مسئله فلسطین هستند و ۳۱/۴ درصد هم تا حدودی علاقه‌مندند. در مورد وظیفه ترکیه راجع به مسئله فلسطین ۱۵ درصد معتقدند که ترکیه باید حامی فلسطین باشد. ۳۸/۵ درصد معتقدند که ترکیه باید بدون دخالت در جنگ آنها، از فلسطین حمایت کند و ۴ درصد معتقدند که ترکیه باید از اسرائیل حمایت کند» (Bacik, 2001: 59). همچنین از موارد مهم تأثیرگذار بر روابط دو طرف این است که تمرینات نظامی که از سال ۲۰۰۱ با موفقیت انجام می‌شد، در سال ۲۰۰۹ به حالت تعلیق درآمد. اردوغان علت تعلیق تمرین‌های نظامی را مسئله غزه عنوان کرد. مسئله دیگر این است که در شرایطی که اسرائیل تهدید درجه یک خود را ایران یافته است، ترکیه به ایران نزدیک شده و این مسئله نشان‌دهنده از واگرایی دو کشور دارد (TÜRtermath, 2010: 36-38). همچنین در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۹ در اجلاس مجمع جهانی داووس میان اردوغان و **شیمون پرز** درگیری لفظی رخ داد. اردوغان در این اجلاس به حملات اسرائیل به غزه اعتراض کرد. همچنین با پخش سریال «آیرلیق» در کانال تلویزیونی تی.آر.تی ترکیه که در آن حملات اسرائیل به غزه به نمایش درآمده بود، روابط طرفین تیره‌تر شد و بسیاری از مقامات و سفرا و حتی مطبوعات اسرائیل به این مسئله اعتراض کردند (www.trt-world.com).

نکته جالب در مورد روابط ترکیه و اسرائیل این است که با وجود اینکه پس از ۲۰۰۲ روابط سیاسی و دیپلماتیک دو طرف تنش‌آمیز شد، اما روابط اقتصادی آنان رشد مناسبی داشته است. اصولاً بین روابط سیاسی - دیپلماتیک با روابط اقتصادی دو طرف همبستگی مثبت وجود ندارد.



جدول شماره ۱. مبادلات تجاری ترکیه با اسرائیل از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸

سال	واردات	صادرات	حجم کل
۱۹۹۰	۶۲/۰۰۰	۴۶/۰۰۰	۱۰۸/۰۰۰
۱۹۹۱	۷۸/۰۰۰	۷۸/۰۰۰	۱۵۶/۰۰۰
۱۹۹۲	۹۷/۰۰۰	۹۰/۰۰۰	۱۸۷/۰۰۰
۱۹۹۳	۱۲۲/۰۰۰	۸۰/۰۰۰	۲۰۲/۰۰۰
۱۹۹۴	۱۲۶/۰۰۰	۱۸۷/۰۰۰	۳۰۴/۰۰۰
۱۹۹۵	۱۶۶/۰۰۰	۲۴۰/۰۰۰	۴۰۶/۰۰۰
۱۹۹۶	۱۹۲/۰۰۰	۲۵۴/۰۰۰	۴۴۶/۰۰۰
۱۹۹۷	۲۳۰/۰۰۰	۳۹۱/۰۰۰	۶۲۱/۰۰۰
۱۹۹۸	۲۸۰/۰۰۰	۴۸۰/۰۰۰	۷۶۰/۰۰۰
۱۹۹۹	۳۰۰/۰۰۰	۵۸۵/۰۰۰	۸۸۵/۰۰۰
۲۰۰۰	۵۰۵/۰۰۰	۶۵۰/۰۰۰	۱/۱۵۵/۰۰۰
۲۰۰۱	۵۳۰/۰۰۰	۸۰۵/۰۰۰	۱/۳۳۵/۰۰۰
۲۰۰۲	۵۴۴/۰۰۰	۸۶۰/۰۰۰	۱/۴۰۴/۰۰۰
۲۰۰۳	۴۶۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۴۶۰/۰۰۰
۲۰۰۴	۷۱۴/۰۰۰	۱/۳۱۵/۰۰۰	۲/۰۲۹/۰۰۰
۲۰۰۵	۸۲۵/۰۰۰	۱/۴۶۷/۰۰۰	۲/۲۹۲/۰۰۰
۲۰۰۶	۷۸۲/۰۰۰	۱/۵۳۰/۰۰۰	۲/۳۱۲/۰۰۰
۲۰۰۷	۱/۰۸۲/۰۰۰	۱/۶۶۰/۰۰۰	۲/۷۴۲/۰۰۰
۲۰۰۸	۱/۴۴۸/۰۰۰	۱/۹۳۵/۰۰۰	۳/۳۸۳/۰۰۰

منبع: www.tuik.gov.tr

۲. همگرایی یا واگرایی؟

در این بخش به این مسئله پرداخته می‌شود که با توجه به تحولات پیش آمده پس از سال ۲۰۰۰، روابط ترکیه و اسرائیل به همگرایی و یا به واگرایی انجامیده است؟ و اینکه روابط دو طرف در آینده به چه سمت و سویی پیش خواهد رفت؟ پاسخ به این پرسش در واقع به معنای آزمون فرضیه این مقاله است که در چهارچوب نظریه اتحاد و علل افول اتحادها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روابط ترکیه و اسرائیل با توجه به تحولاتی که ذکر شد، در حال حاضر در شرایط معماگونه‌ای قرار دارد. برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر باید متغیرهای داخلی و نیز متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی را در نظر گرفت. با توجه به

تحولات اخیر و بحران‌های بین دو طرف (مربوط به مسئله غزه، شمال عراق، لبنان) روابط آنها رو به سردی رفته است. نگارندگان معتقدند که در مقایسه با روابط نزدیک دو طرف در دهه ۱۹۹۰، روابط آنها از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ واگرتر شده است.

۲-۱. دلایل واگرایی در روابط ترکیه و اسرائیل

الف - روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و دکترین عمق استراتژیک

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه باعث جهت‌گیری جدیدی در سیاست خارجی ترکیه شد و این جهت‌گیری روابط ترکیه با اسرائیل را تحت‌الشعاع قرار داد. مهم‌ترین دلیلی که در مورد سرد شدن روابط ترکیه و اسرائیل مطرح است این است که روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه باعث بروز اختلاف ایدئولوژیک بین دو طرف و کاهش اعتبار اتحاد ۱۹۹۶ شد و همچنین دکترین عمق استراتژیک تأثیر خود را بر روابط دو طرف گذاشت. زیرا لازمه اجرای طرح عمق استراتژیک این است که ترکیه در روابطش با اسرائیل و اعراب تعادل ایجاد کند.

ب - بهبود روابط ترکیه با ایران و سوریه و نزدیکی به اعراب در مقابل نارضایتی اسرائیل

از آن

از جمله دلایل افول یک اتحاد، تغییر درک از تهدید است. در صورتی که تغییرات مهمی در سطح تهدید علیه اعضای اتحاد صورت گیرد و اعضا حس کنند که تهدید کاهش یافته، این می‌تواند منجر به فروپاشی اتحاد شود زیرا اعضا نیاز کمتری به حمایت خارجی احساس خواهند کرد. این مسئله برای ترکیه نیز پیش آمد. ترکیه که زمانی ایران و سوریه را تهدیدی علیه خود تصور می‌کرد، امروزه دیگر مانند گذشته، از سوی این کشورها احساس تهدید نمی‌کند و در نتیجه روابط خود را با این کشورها بهبود بخشیده است.

۱. بهبود روابط ترکیه با ایران

روابط ترکیه با ایران در این دوره رو به بهبود نهاده است. از جمله در ماه ژوئیه ۲۰۰۴ اردوغان به ایران سفر کرد و موافقت‌نامه‌های چندگانه‌ای را امضا کردند که از

مسائل امنیتی گرفته تا مسائل اقتصادی (انتقال گاز از راه ترکیه به اروپا) و گمرکی را شامل می‌شد. در فوریه ۲۰۰۶ توافق‌نامه امنیتی دیگری امضا شد که شامل اقداماتی علیه پ.ک.ک بود (Murinson, 2006: 958). همچنین در ۲۷ اکتبر اردوغان و در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹ داوود اوغلو به ایران سفر کردند. در مسئله هسته‌ای هم ترکیه نقش میانجی را برعهده گرفته است. نزدیکی ترکیه به ایران خودبه‌خود به معنای این است که درک ترکیه از جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده و دو کشور منافع متقابل زیادی دارند. در نتیجه اتحاد علیه ایران برای ترکیه معنا ندارد. زیرا آن‌گونه که اسرائیل از سوی ایران احساس تهدید می‌کند، ترکیه مورد تهدید نیست. بنابراین در راستای اجرای سیاست عمق استراتژیک و همچنین طرح مشکلات صفر با همسایگان، ترکیه لازم می‌داند که روابط خود را با ایران عادی کند. نزدیکی این کشور به ایران برای اسرائیل که دشمن درجه‌یک خود را ایران می‌داند، قابل پذیرش نیست. بنابراین این مسئله باعث بروز شکاف بین ترکیه و اسرائیل شده است.

۲. بهبود روابط ترکیه با سوریه

به‌طورکلی پس از پایان حمایت سوریه از پ.ک.ک، روابط ترکیه با سوریه بهبود یافت. این مسئله به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بیشتر مشهود است. **عبدالله گل** در سال ۲۰۰۳ با معاون نخست‌وزیر سوریه دیدار کرد. در مقابل، **فاروق بن الشعرا**، وزیر امور خارجه سوریه، در ژانویه ۲۰۰۳ به ترکیه سفر کرد. این دیدارها راه را برای سفر بشار اسد به ترکیه در ۲۰۰۴ هموار کرد. این نخستین سفر یک رئیس‌جمهور سوریه از زمان تأسیس به ترکیه بود (Turan, 2008: 109). بنابراین ترکیه‌ای که در سال ۱۹۹۸ با سوریه تا آستانه جنگ پیش رفت، از سال ۲۰۰۵ همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی مناسبی با آن برقرار کرد و در سال ۲۰۰۹ ویزای بین دو کشور لغو شد. در نتیجه سوریه که زمانی تهدید مشترک ترکیه و اسرائیل بود، امروزه از سوی ترکیه تهدید جدی تلقی نمی‌شود و ترکیه در قالب سیاست مشکلات صفر با همسایگان در صدد برآمده تا مشکلات خود را با سوریه حل و فصل کند. در مقابل اسرائیل به‌شدت نگران نزدیکی روابط ترکیه و سوریه است. بنابراین این مسئله هم که به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی اتحاد ترکیه

و اسرائیل بود، از بین رفته است.

۳. عراق و مسئله کرد

در مورد تداوم یا فروپاشی اتحادها ذکر این نکته مهم است که تغییر قصد و نیت اعضای یک اتحاد از هم و همچنین تغییر اوضاع و احوال می‌تواند بر سرنوشت اتحادها تأثیر اساسی بگذارد. مسئله عراق پس از ۲۰۰۳ و پیامدهای ناشی از آن (مسئله کرد) از این‌گونه مسائل بود که تأثیری منفی بر اتحاد ترکیه و اسرائیل گذاشت. **صدام حسین** که تهدیدی جدی برای اسرائیل بود در حال حاضر وجود خارجی ندارد و امروزه ترکیه نیز در صدد حل و فصل مسئله کرد که تهدیدی برای این کشور محسوب می‌شد، برآمده است. در حال حاضر ترکیه از فرصتی که در عراق پیش آمده، نهایت استفاده را می‌برد تا آنجا که بیش از ۳۲ درصد واردات عراق از ترکیه صورت می‌گیرد. به‌طور جدی ترکیه در شکل‌گیری سیاست خارجی خود در رابطه با عراق سه اولویت را مدنظر داشته است که عبارتند از: «۱) پیشگیری از امکان‌پذیر شدن استقلال کردها در شمال عراق، ۲) حمایت از حقوق ترکمن‌ها در عراق به‌ویژه کرکوک و ۳) جلوگیری از این مسئله که شمال عراق تبدیل به منطقه‌ای امن برای پ.ک.ک شود» (Turan, 2008: 110).

یکی از دلایل عمده اتحاد ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ مقابله با تهدیدات پ.ک.ک بود. اسرائیل به لحاظ نظامی به‌ویژه از لحاظ سیستم‌های پیشرفته جاسوسی و اطلاعاتی کمک‌های مفیدی به ترکیه در خنثی کردن تهدیدات پ.ک.ک ارائه می‌داد. اما ترکیه امروزه از سیاست تقابل به سیاست تعامل با کردها هم در داخل و هم در منطقه روی آورده است. در داخل در صدد برآمده که حقوق کردها را محقق سازد و در منطقه تلاش کرده تا علاوه بر دولت‌های دارای اقلیت کردنشین با دولت امریکا و دولت منطقه‌ای کردستان عراق^۱ در مورد مسئله کرد همکاری می‌کند که نمونه آن دیدار عبدالله گل با **نچران بارزانی**، نخست‌وزیر دولت منطقه‌ای کردستان، در ۲۴ مارس ۲۰۰۹ است. در این دیدار، عبدالله گل بر حل مسئله کردها از راه مسالمت‌آمیز و خلع سلاح پ.ک.ک تأکید کرد و بارزانی هم بیان داشت «ما هرگز

اجازه نخواهیم داد که کردستان عراق سکویی برای حمله به کشورهای همسایه باشد». با توجه به این مسائل باید گفت که ترکیه دیگر نیازی نمی‌بیند که در این مورد با اسرائیل ائتلاف کند. بنابراین شرایط عراق پس از ۲۰۰۳ به گونه‌ای است که قبلاً برای ترکیه و اسرائیل تهدید مشترک محسوب می‌شد، اما امروزه یک حوزه مهم اختلاف به‌شمار می‌رود.

۴. مسئله فلسطین

یکی از صاحب‌نظران مسائل ترکیه معتقد است که روابط ترکیه با اسرائیل رو به زوال رفته است و دلیل اصلی آن همدردی و توسعه روابط ترکیه با فلسطین و همچنین اعتراض به سیاست‌های حزب لیکود در سرزمین‌های اشغالی است (Fuller, 2004: 61). مسئله فلسطین بی‌شک یکی از جدی‌ترین دلیل تنش دهه اخیر بین ترکیه و اسرائیل است. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، بارها ترکیه علیه اسرائیل در این چند سال اخیر اعتراض کرده است. از جمله اجلاس داووس، حملات به نوار غزه، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و اخیراً حمله اسرائیل به کشتی ناوگان آزادی که باعث تیرگی روابط شد. در ترکیه حتی احزاب و گروه‌های لائیک اقدام اسرائیل در حمله به کشتی کمک‌های انسان‌دوستانه به غزه را محکوم کردند. مقامات ترکیه اعلام کردند که در صورت عدم پرداخت خسارت و عذرخواهی نکردن اسرائیل، این کشور در روابط خود با اسرائیل تجدید نظر خواهد کرد. در مقابل حمایت ترکیه از فلسطین برای اسرائیل نیز قابل پذیرش نیست. دعوت از **خالد مشعل** توسط مقامات ترکیه مهم‌ترین مسئله‌ای بود که باعث شد اسرائیل از بهبود روابط و بازگشت به صمیمیت دهه ۱۹۹۰ ناامید شود و به گزینه‌ای مناسب به‌جای ترکیه فکر کند.

۵. حل مسئله قبرس و بهبود روابط ترکیه با یونان

حل مسئله قبرس و بهبود روابط ترکیه با یونان هم یکی از مواردی بود که در واگرایی روابط ترکیه و اسرائیل نقش داشت. «تغییر درک از تهدید» یونان برای ترکیه باعث کاهش ارزش اتحاد این کشور با اسرائیل شد. یکی از دلایل اتحاد ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ منازعات ترکیه با یونان بر سر قبرس بود. ترکیه برای تحت فشار قرار دادن یونان و همچنین کاستن از مخالفت غرب در این مسئله با اسرائیل

متحد شد. اما با روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه، این کشور در سال ۲۰۰۴ تغییر دیپلماسی داد و از طرح **عنان** حمایت کرد و بخشی از نیروهای خود را از قبرس خارج کرد و نیز روابطش را با یونان بهبود بخشید. در نتیجه اتحاد با اسرائیل در این زمینه دیگر معنایی نداشت.

۶. نقش هژمونی امریکا

یکی از دلایل اتحاد ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۶ حمایت امریکا از آن بود. در حالی که پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه، امریکا از اتحاد دو طرف حمایت جدی نکرد و صرفاً در شرایط بحرانی روابط ترکیه و اسرائیل، آنها را دعوت به گفتگو و حل اختلاف می‌کرد.

با توجه به این منطق که سیاست خارجی، برآمده از کانون‌های قدرت در داخل کشور است، سیاست خارجی ترکیه تحت حکومت حزب عدالت و توسعه، متحد اسرائیل نخواهد شد و در بهترین شرایط رابطه این کشور با اسرائیل در توازن با رابطه آن با خاورمیانه و اعراب خواهد بود. با وجود آنکه روابط ترکیه و اسرائیل نسبت به دهه ۱۹۹۰ به واگرایی انجامیده اما باید گفت بنا به دلایلی روابط آنها قطع نخواهد شد. در زیر به بررسی بیشتر این مسئله می‌پردازیم.

۲-۲. دلایل قطع نشدن روابط ترکیه و اسرائیل

الف - دلایل عدم تمایل ترکیه به قطع روابط

هرچند ترکیه در راستای اجرای طرح عمق استراتژیک، روابط خود با اسرائیل را در توازن با روابط خود با اعراب قرار داده است، اما این کشور بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد به هیچ عنوان حاضر به قطع رابطه با اسرائیل نیست. حتی پس از پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، مقامات این حزب اعلام کردند که تحت هیچ شرایطی روابط خود را با اسرائیل قطع نخواهند کرد. به عنوان مثال: «**مراد مرجان**، سخنگوی حزب عدالت و توسعه، پس از پیروزی حزب او در نوامبر ۲۰۰۲، بیان داشت که دلیل عدم تغییر سیاست خارجی ترکیه در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه، این است که سیاست خارجی ترکیه به حزب وابسته نیست

بلکه به منافع ملی وابسته است. تا زمانی که ارتباط بین دو کشور متقابلاً سودمند باشد، هیچ دلیلی برای انحراف مسیر رابطه وجود ندارد» (GRUEN, 2004: 445).

۱. رقابت با ایران و سوریه

یکی از مسائلی که در مورد عدم تمایل ترکیه به قطع روابط با اسرائیل می‌توان پرداخت این است که هرچند امروزه ترکیه به ایران و سوریه نزدیک شده و این باعث تنش در روابط ترکیه با اسرائیل شده است، اما باید گفت این کشور در بلندمدت، ایران و سوریه را رقیب خود در منطقه می‌داند و برای کنترل و تحت فشار قرار دادن آنها هرگز اهرم اسرائیل را رها نخواهد کرد. ضمن اینکه این کشور به هیچ عنوان از ایران هسته‌ای دل‌خوشی ندارد. حمایت ترکیه از مسئله هسته‌ای ایران علاوه بر ماهی گرفتن از آب گل‌آلود، به این دلیل است که مقامات ترکیه برنامه دارند تا در چند سال آینده ۵ نیروگاه هسته‌ای در این کشور احداث کنند.

۲. نیاز مبرم ترکیه به امریکا

مارتین معتقد است بنا به دلایلی مانند: (۱) نیاز ترکیه به امریکا در مقابل هژمونی روسیه در منطقه، (۲) جلب توجه ناتو برای مقابله با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، (۳) استفاده از توان و دانش نظامی امریکا، (۴) استفاده از اعتبار امریکا برای کسب امتیازات اقتصادی منطقه‌ای مانند خط لوله نفت باکو - جیهان، (۵) مهار کشمکش‌های قومی کردها که فقط با حمایت امریکا مؤثر است، ترکیه نیاز مبرمی به امریکا دارد (Martin, 2004: 101). نگارنده معتقد است که روابط ترکیه در صورتی با امریکا گرم خواهد شد که این کشور روابط خود را با اسرائیل قاعده‌مند کند. در غیر این صورت لابی‌های یهودی در امریکا مانع نزدیکی ترکیه به امریکا خواهند شد. ترکیه برای توسعه و رشد خود نیاز مبرمی به امریکا دارد و در موارد گوناگونی مانند اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، این کشور در مقابل خواسته‌های امریکا کوتاه آمده است.

۳. نیاز به فناوری اسرائیل

یک از اهداف سیاست خارجی ترکیه باز کردن مسیر رشد و توسعه اقتصاد این کشور است. به نظر نمی‌رسد ترکیه مایل باشد روابط اقتصادی خود را با اسرائیل بر

هم بزند. ضمن اینکه این کشور از طریق اسرائیل می‌تواند به فناوری‌های فوق پیشرفته امریکایی در همه زمینه‌ها دست یابد. به همین دلیل با وجود تنش در روابط دو کشور، هنوز روابط اقتصادی و حتی نظامی برقرار است.

۴. ترس از نزدیکی سوریه به اسرائیل

ترک‌ها به صلح اسرائیل با سوریه نیز خیلی خوش بین نیستند. زیرا معتقدند که اولاً در صورت صلح دو کشور، سوریه در مرزهای ترکیه با قدرت بیشتر عمل خواهد کرد و مسئله استان هاتای را با جدیت پیگیری خواهد کرد. ثانیاً در صورت بهبود روابط سوریه با اسرائیل، سوریه مسئله آب را که نقطه مشترک این کشور با اسرائیل و عراق است با جدیت دنبال می‌کند و ترکیه را در موضع ضعف قرار می‌دهد. ضمن اینکه در چنین شرایطی امریکا نیز جانب اسرائیل را خواهد گرفت و این مسئله به انزوای ترکیه می‌انجامد. بنابراین هدف ترکیه از حفظ روابط خود با اسرائیل و میانجی‌گری در مسائل اسرائیل و سوریه، تحت کنترل داشتن آنها و جلوگیری از تضعیف خود است.

۵. نزدیکی به اروپا و مسئله عضویت در اتحادیه اروپا

اکثریت مردم ترکیه خواهان الحاق ترکیه به اروپا هستند. در یک نظرسنجی از مردم این کشور در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ راجع به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، «از بین چهار گزینه، ۵۸ درصد به گزینه خوب، ۲۲/۹ درصد به گزینه بد، ۱۴/۸ درصد به گزینه نه خوب و نه بد و ۴/۴ درصد به گزینه نمی‌دانم، رأی داده‌اند» (ÖZAKTAŞ, 2006: 121). مقامات ترکیه نیز مصرانه در تلاش برای الحاق به اتحادیه اروپا هستند. نزدیکی به اروپا برای ترکیه در شرایطی که این کشور با اسرائیل دشمنی داشته باشد، امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این مسئله، در صورت نزدیکی ترکیه به اسرائیل و عادی کردن روابط علاوه بر اتحادیه اروپا، امریکا نیز از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حمایت می‌کند.

۶. مشروعیت داخلی حزب عدالت و توسعه

پس از روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی می‌کردند که این حزب باعث دوری ترکیه از غرب خواهد شد

و گرایش‌های تندروانه‌ای را در سیاست خارجی در پیش خواهد گرفت، اما اردوغان پس از اینکه نخست‌وزیر شد، بارها اعلام کرد که گرایش حزب عدالت و توسعه به اسلام، به اندازه گرایش حزب دموکرات - مسیحی آلمان به آموزه‌های مسیح است. احتیاط و عمل‌گرایی اساس برنامه‌های حزب عدالت و توسعه در سیاست داخلی و نیز در سیاست خارجی این حزب است. حزب رفاه تجربه ارزنده‌ای برای حزب عدالت و توسعه محسوب می‌شود. حزب عدالت و توسعه به دلیل حفظ مشروعیت داخلی خود به هیچ‌وجه سیاست خارجی ترکیه را به خطر نخواهد انداخت. در کنار نگرش منطقه‌ای و عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی، رابطه با غرب را ادامه خواهد داد و در این چهارچوب اسرائیل هم طرد نخواهد شد. لازم به ذکر است که حزب عدالت و توسعه بیشترین مشروعیت خود را به دلیل عملکردش در سیاست خارجی و حوزه اقتصادی‌اش می‌گیرد نه صرفاً اسلام‌گرا بودنش. داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در گفتگو با روزنامه البیان امارات، اظهار داشت که هدف کشورش پر کردن بعضی خلاءها در سیاست خارجی است، نه تحول اساسی در سیاست خارجی. ترکیه هیچ‌گاه گرایش کامل به سمت شرق نخواهد داشت. همچنین پس از بحران کشتی ناوگان آزادی، اردوغان در پاسخ به سؤالی که گفته بودند آیا در راستای قطع روابط با اسرائیل عمل می‌کنید؟ جواب داده بود که «قطع روابط با کشوری که آن را به رسمیت شناخته‌ایم در عرف دیپلماتیک هیچ شأن و منزلتی ندارد» (www.trt-world.com).

ب - عدم تمایل اسرائیل به قطع روابط

در اسرائیل اجماع کاملی در مورد رابطه با ترکیه وجود دارد. ترکیه برای مردم و نخبگان اسرائیلی جذابیت بالایی دارد و در سال‌های گذشته بزرگ‌ترین مقصد گردشگران اسرائیلی بوده است. مقامات اسرائیل همیشه در صدد این بودند تا به تنش‌های به وجود آمده بین دو کشور دامن نزنند و سعی در بهبود روابط داشته‌اند. برای مثال **شیمون پرز** در سفر به ترکیه گفته بود: «در ترکیه اسلام میانه‌رو وجود دارد و رهبران ترکیه وزنه‌ای در مقابل اسلام رادیکال هستند. پیروزی ترکیه در مسیری که در پیش گرفته است، پیروزی همه مسلمانان، اعراب، یهودیان و اسرائیل

است» (www.trt-world.com). اسرائیل همیشه در تلاش بوده است محوری از کشورهای غیرعرب در منطقه علیه اعراب و برای تحت فشار قرار دادن آنها به وجود آورد. بنابراین همکاری با ترکیه برای اسرائیل هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ استراتژیک و نظامی - امنیتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین اسرائیل فاقد عمق استراتژیک است و نیاز شدیدی به فضای هوایی و زمینی ترکیه برای انجام تمرینات نظامی دارد. در این راستا هرچند این کشور با اعتراضات ترکیه به اقدامات آن در فلسطین مواجه بوده، اما همچنان سعی در بهبود روابط داشته است. از سوی دیگر، مقامات اسرائیل دوران تنش خود با ترکیه را موقتی می‌دانند. آنها منتظر روی کار آمدن کمالیست‌ها در این طرف هستند. در اتحاد دهه ۱۹۹۰ نیز این ارتش و کمالیست‌ها بودند که نقش اصلی را بازی می‌کردند و در صورت پیروزی آنها در انتخابات آینده ترکیه، بی‌شک روابط دو طرف وضعیت بهتری در مقایسه با دوره حزب عدالت و توسعه خواهد داشت. اما نباید از این نکته غافل شد که حتی کمالیست‌ها هم به حساسیت اعراب و مسئله فلسطین بی‌توجه نیستند.

از نظر بشیر عبدالفتاح به‌طور کلی در چشم‌انداز نزدیکی روابط ترکیه و اسرائیل چهار سناریو وجود دارد (3: Abdel Fattah, 2009):

۱. اگر اسرائیل گامی جدی در راستای ازسرگیری مذاکرات صلح با فلسطین بردارد، در این صورت یکی از دلایل اصلی خشم مردمی که عامل دوری از اسرائیل در ترکیه است، برداشته می‌شود؛
۲. احیای مذاکرات بین سوریه و اسرائیل با میانجیگری ترکیه، به نزدیکی اسرائیل به ترکیه کمک می‌کند؛
۳. موفقیت ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای، باعث نزدیکی ترکیه به اسرائیل تحت حمایت امریکا می‌شود؛ و
۴. باز شدن درهای اروپا به روی ترکیه برای دستیابی این کشور به رؤیای دیرینه خود.

بنابراین می‌توان گفت احتمال قطع ارتباط ترکیه و اسرائیل دور از انتظار است. ترکیه از دیدگاه اسرائیل و امریکا به‌عنوان کشوری قدرتمند و غیرقابل اجتناب شناخته می‌شود. به همین دلیل در خلال تنش‌های اخیر بین دو طرف، هم امریکا و



هم اسرائیل، خونسردانه عمل کرده و از دور ساختن ترکیه اجتناب کرده‌اند.

۳. فرصت‌های سیاسی و امنیتی ناشی از واگرایی ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر برای ایران

با توجه به منطق مورد قبول نظریه‌های اتحاد در روابط بین‌الملل، زمانی که چند کشور دست به ایجاد اتحاد می‌زنند، توازن قوا به ضرر کشورهای خارج از اتحاد تغییر می‌کند و ممکن است این کشورها نیز قصد ایجاد ضداتحاد را داشته باشند. نزدیکی ترکیه و اسرائیل و اتحاد ۱۹۹۶ آنها باعث ائتلاف‌سازی ایران با سوریه و گروه‌های مبارز فلسطینی و حزب‌الله شد. برعکس دهه ۱۹۹۰، در دهه اخیر، واگرایی ترکیه و اسرائیل باعث کاهش تهدیدات علیه ایران از سوی اسرائیل شده است. بنابراین از آنجا که روابط ترکیه و اسرائیل نسبت به دهه ۱۹۹۰ به واگرایی انجامیده، این مسئله می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان فرصت محسوب شود. از جمله فرصت‌های سیاسی و امنیتی که با واگرایی ترکیه و اسرائیل برای جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آمده، عبارتند از:

۱-۳. کاهش تهدید اسرائیل علیه ایران

یکی از مهم‌ترین فرصت‌هایی که از واگرایی ترکیه و اسرائیل نصیب ایران شد، کاهش تهدید اسرائیل علیه ایران بود. با اتحاد ترکیه و اسرائیل، اسرائیل عملاً به مرزهای ایران نزدیک شد و به فعالیت‌های جاسوسی از خاک ایران پرداخت. اما امروزه این امکان برای اسرائیل میسر نیست زیرا ترکیه در صدد برآمده است که رابطه خود را با ایران بهبود بخشد. در نتیجه با کاهش همکاری‌های امنیتی ترکیه و اسرائیل، تهدیدات این کشور علیه ایران نسبت به دهه ۱۹۹۰ کاهش یافته است. نکته مهم دیگر این است که وضعیت بین ایران و اسرائیل یک بازی حاصل جمع صفر است. بنابراین افزایش قدرت هر کدام، به معنای کاهش قدرت طرف مقابل است و انزوای هر چه بیشتر اسرائیل در منطقه کاملاً در راستای اهداف امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۳-۲. افزایش قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران در منطقه در مقابل کاهش

قدرت مانور اسرائیل

با واگرایی روابط ترکیه و اسرائیل، قدرت مانور ایران در منطقه افزایش یافته و ایران در مقابل اسرائیل موقعیت برتری پیدا کرده است. ضمن اینکه ترکیه نیز به جمع مخالفان سیاست‌های اسرائیل در فلسطین پیوسته است و با ایران رابطه نزدیکی برقرار کرده است.

۳-۳. بهبود روابط ایران و ترکیه

پس از آنکه روابط ترکیه و اسرائیل رو به سردی رفت، جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های خود را نسبت به ترکیه تغییر داده و در صدد همکاری با این کشور در همه زمینه‌ها برآمده است. امروزه جمهوری اسلامی ایران و ترکیه قصد دارند مبادلات خود را به بالای ۳۰ میلیارد دلار برسانند. این مسئله تا حدی نتیجه فاصله گرفتن ترکیه از اسرائیل است. جدول زیر مربوط به مبادلات دو کشور از ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ است. همان‌طور که مشخص است، روابط اقتصادی دو کشور رو به رشد می‌باشد.

جدول شماره ۱. مبادلات اقتصادی ترکیه با ایران

سال	صادرت	واردات	جمع کل
۲۰۰۴	۸۱۳/۰۳۱	۱/۹۶۲/۵۵۹	۲/۷۳۹/۵۹۰
۲۰۰۵	۹۱۲/۹۴۰	۳/۴۶۹/۷۰۶	۴/۳۸۲/۶۴۶
۲۰۰۶	۱/۰۶۶/۹۰۲	۵/۶۲۶/۶۱۰	۶/۶۹۳/۵۱۲
۲۰۰۷	۱/۴۴۱/۱۹۰	۶/۶۱۵/۳۹۴	۸/۰۵۶/۵۸۴
۲۰۰۸	۲/۰۲۹/۷۶۰	۸/۱۹۹/۶۸۹	۱۰/۲۲۹/۴۴۹

منبع: www.tuik.gov.tr

۳-۴. کاهش احتمال بروز منازعات در منطقه

با واگرایی روابط اسرائیل و ترکیه نسبت به دهه ۱۹۹۰، منازعات در منطقه (بین اعراب، فلسطین و ایران از یک‌سو و اسرائیل و حامیان آن از سوی دیگر) نسبت به دهه ۱۹۹۰ کاهش یافته است. زمانی که اتحاد ترکیه و اسرائیل در ۱۹۹۶ امضا شد، بسیاری از کشورهای منطقه علیه آنها موضع‌گیری کردند و این اتحاد را برای صلح

و امنیت خاورمیانه خطرناک توصیف کردند. اما با فاصله گرفتن ترکیه از اسرائیل، روابط ایران و اعراب با ترکیه بهبود یافت و منازعات بین ترکیه با این کشورها کاهش پیدا کرد. علاوه بر این مسائل، با توجه به منطق مورد قبول نظریه‌های رئالیستی اتحاد، با واگرایی ترکیه و اسرائیل، امروزه اهمیت ضداتحاد ایران و سوریه هم در مقابل آن کاهش یافته است. از آنجا که هنوز قواعد بازی در منطقه خاورمیانه حاصل جمع صفر است و تهدیدات نیز عمدتاً شامل تهدیدات نظامی می‌شود و بسیاری از کشورها منطقه نیز اختلافات ارضی و مرزی جدی با همسایگان خود دارند، شکل‌گیری هرگونه اتحادی در منطقه با توجه به نظریه اتحادسازی، به معنای به هم خوردن موازنه قوا در منطقه و به وجود آمدن تهدید علیه دولت‌های خارج از اتحاد است و این مسئله موجب تحریک آنها به اتحادسازی و درنهایت باعث افزایش مناقشات در منطقه می‌شود. بنابراین واگرایی روابط ترکیه و اسرائیل نسبت به اتحاد دو طرف در دهه ۱۹۹۶ منجر به کاهش منازعات در منطقه می‌شود. لازمه رشد و توسعه کشورهای منطقه از جمله ایران، این است که منازعات منطقه خاورمیانه کاهش یابد و محیط ناامن منطقه تبدیل به محیطی باثبات برای سرمایه‌گذاری خارجی شود.

نتیجه‌گیری

روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر نسبت به دهه ۱۹۹۰ به واگرایی انجامیده و با تنش‌های جدی دیپلماتیک مواجه شده است اما هیچ‌یک از این دو طرف علاقه‌ای به قطع روابط ندارند. این واگرایی درنهایت به نفع جمهوری اسلامی ایران تمام شده است. ترکیه، اسرائیل و ایران در منطقه خاورمیانه نسبت به دیگر دولت‌های منطقه‌ای از قدرت تأثیرگذاری بالایی برخوردارند و دارای سیاست خارجی مستقل و متفاوت از هم می‌باشند.

در مورد ترکیه باید گفت که این کشور پس از پیروزی حزب عدالت و توسعه، در حوزه سیاست خارجی بسیار فعالانه عمل کرده است. رهبران حزب عدالت و توسعه برخلاف تصور بسیاری، امروزه در قالب دکترین عمق استراتژیک، سیاست مشکلات صفر با همسایگان و ایفای نقش میانجی در منطقه و بین منطقه و غرب،

به بهترین نحو منافع ملی ترکیه را پیگیری می‌کنند. بسیاری از مواقع اقدامات، واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های آنها در منطقه تاکتیکی است و نه استراتژیک. دلیل اصلی روابط ترکیه با اسرائیل، روابط ترکیه با مجموعه غرب بوده و اسرائیل تا حد زیادی یک کارت بازی در این زمینه است. در نهایت باید گفت ترکیه امروزه سعی در ایجاد توازن در روابط خود با غرب از یک سو و شرق و خاورمیانه از سوی دیگر دارد. اما اگر مجبور به انتخاب از بین این دو گزینه شود، بی‌شک غرب را به دلیل مزیت‌های بالای آن برای این کشور، انتخاب خواهد کرد. البته هوشمندی و تدبیر دولتمردان فعلی ترکیه و پیچیدگی دیپلماسی آنها نیز در همین نکته است که با دیپلماسی فعال خود سعی بر آن دارند که نگذارند تحولات به سمتی برود که مجبور به انتخاب از بین دو گزینه فوق شوند. آنها تمام سعی خود را بر این گذاشته‌اند که از هر دو گزینه شرق و غرب، خاورمیانه و غرب و اسلام و مسیحیت به بهترین نحو منافع ترکیه را به دست آورند.

در مورد اسرائیل می‌توان گفت این کشور سیاست خارجی خاص خود را دارد که متفاوت از دیگر بازیگران منطقه است. اسرائیل از زمان تأسیس تاکنون همواره با مسائل امنیتی درگیر بوده و بزرگ‌ترین هدفش در سیاست خارجی، تثبیت موجودیت خود و حفظ و گسترش تمامیت ارضی آن است. بنابراین باید گفت هنوز راجع به ادغام در منطقه و مشروعیت‌یابی آن و حل مسائل با همسایگان راه درازی پیش رو دارد.

در مورد جمهوری اسلامی ایران باید گفت با توجه به مسائلی مانند بحران هسته‌ای، بحران‌های منطقه‌ای (مانند افغانستان و عراق)، سردی روابط با اعراب، دشمنی با آمریکا و اسرائیل و تنش با اتحادیه اروپا از یک سو و مسائل و مشکلات داخلی (در ابعاد امنیتی، سیاسی و اقتصادی) این کشور از سوی دیگر، سیاست خارجی این کشور امروزه در وضعیت پیچیده‌تری قرار دارد، اما واگرایی روابط ترکیه و اسرائیل می‌تواند موجب کاهش جایگاه اسرائیل در منطقه و در نتیجه دارای پیامدهای مثبت برای ایران باشد که این امر به نوبه خود می‌تواند به حل وضعیت پیچیده سیاست خارجی ایران کمک کند.*

منابع

الف - فارسی

مورگنتا، هانس جی. ۱۳۸۴. «سیاست میان ملت‌ها»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر وزارت امور خارجه.

ب - انگلیسی

- Abdel Fattah, Beshir. 2009. "Where are the Turkish-Israeli relations headed?", **Arab Affairs Journal – issue**, No. 140, Winter 2009, pp.1-3.
- Aras, Bülent. 2000. "Turkish-Israeli-Iranian Relations in the Nineties: Impact on the Middle East ", **Middle East Policy**, VOL. VII, NO. 3, June, pp.151-164.
- Bacik, Gokhan. 2001. "THE LIMITS OF AN ALLIANCE:TURKISH-ISRAELI RELATIONS REVISITED", **Arab Studies Quarterly (ASQ)**, Volume 23, Number 3 Summer, 49, pp.49-63.
- Bergsmann, Stefan. 1997. "the Concept of Military Alliance", [www.bmlv.gv.at/pdf_pool, /publikationen/05_small_states_04.pdf](http://www.bmlv.gv.at/pdf_pool/_publikationen/05_small_states_04.pdf).
- Bengio, Ofra. 2004. **The Turkish-Israel Relationship, Changing Ties of Middle East Outsiders**, Newyork, by Palgrave Macmillan First Published.
- Bengio, Ofra. 2009. "Turkey and Israel in the Aftermath of the Gaza War: Relations at a Crossroad?", **TEL AVIV NOTES**, February 8, 2009.
- Bilgin, Hasret Dikici. 2008. "Foreign Policy Orientation of Turkey's Pro-Islamist Parties: A Comparative Study of the AKP and Refah", **Turkish Studies**, Vol. 9, No. 3, 407—421.
- Fuller, Graham E. 2004. "Turkey's Strategic Model: Myths and Realities", **The Washington Quarterly**, 27:3, pp. 51-64. SUMMER.
- Goodrich, Ben. 2004. "Alliance Formation and International Relation Theory",





- Government2710- Week09**, Response Paper, April, pp.1-2
- Gruen, E. George. 2004. "Turkey's Strategic Mideast Regional Initiatives", **American Foreign Policy Interests**, No. 26.
- Gruen, George E. 2002. "Recent Developments in Turkish-Israeli Relations", **American Foreign Policy Interests**, 24, 4, pp. 301–321.
- Grigoriadis Ioannis, N. 2010. "The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy", **Middle Eastern Studies Programme (Working Paper)**, No. 8/2010, pp.1-12, (www.eliamep.gr).
- Kibaroglu, Mustafa. 2005. "Clash of Interest Over Northern Iraq Drives Turkish-Israeli Alliance to a Crossroads", **MIDDLE EAST JOURNAL**, VOLUME 59, NO. 2, SPRING, pp.246-264.
- Martin, Lenore G, Keridis, Dimitris. 2004. **the future of turkish foreign policy**, London: the MIT Press, P.354.
- Mearsheimer, John J. 2006. "Structural Realism", **International relation theories Discipline and Diversity**, www.oup.com/uk/orc/bin.
- Murinson, Alexander. 2006. "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy", **Middle Eastern Studies**, Vol. 42, No:6, November.
- Olson Robert. 2001. **Turkeys Relations With Iran, Syria, Iraq, Israel and Russia, 1999-2000**, University of Kentucky, Mazda Publishers, Inc.
- Timeline of Turkish-Israeli Relations, 1949–2006. 2006. **The Washington Institute for Near East Policy**, <http://www.washingtoninstitute.org/documents/44edf1a5d337f.pdf>.

ج - ترکی

- Davutoğlu, Ahmet. 2001. **Stratejik Derinlik: Türkiye'nin Uluslararası Konumu**, Küre Publishing, İstanbul.
- <http://www.trt-world.com/trtinternational/fa/newsDetail.aspx>.
- <http://www.tuik.gov.tr> (Turkish Statistical Institute) (TUİK).
- Milliyet, 8June, 2004.
- ÖZAKTAŞ, Hakan. 2006. "Türkiye'de Milliyetçilik Nasıl Güç Kazanıyor?", **Kıbrıs Yazıları**, Sayı 2 / Bahar 2006, ss.117-122.
- TÜRtermath, Özlem. 2010. **TÜRKİYE-İSRAİL İLİŞKİLERİNDEKRİZ-DAVOS VE SONRASI**, Ortadoğu Analiz Kasım'09 Cilt 1-Sayı11, Ss. 35-40 (<http://www.setav.org/ups/dosya/15113.pdf>).
- Turan, Tolga. 2008. **"TÜRKİYE'NİN İSRAİL'E YÖNELİK DIŞ POLİTİKAS: BATI İLE OLAN İLİŞKİLERİN ETKİSİ"**, Yüksek Lisans, Uluslararası

İlişkiler Bölümü Tez Danışmanı: Yrd. Doç. Dr. Özlem Tür, Mayıs, 145 sayfa.

TÜRtermath, Özlem. 2009. **TÜRKİYE-İSRAİL İLİŞKİLERİ: YAKIN İŞBİRLİĞİNDEN GERİLİME**, Ortadoğu Analiz Nisan'09 Cilt 1-Sayı 4, Ss.22-29, ([http:// www.setav.org/ups/dosya/28712.pdf](http://www.setav.org/ups/dosya/28712.pdf)).

TÜR, Özlem (2006); **Türkiye ve Orta Doğu: Gerilimden İşbirliğine**, in (ed). DAĞI, Zeynep, Doğudan Batıya Dış Politika: AK Partili Yıllar, Orion Publishing.

